

دیدگاه

از کاترین شکدم تا فریبا عادلخواه

ادامه از صفحه یک /

با آنها مصاحبه می کنم بلکه در کنفرانس‌ها نیز شرکت می کنم و تا حالا سابقه نداشته افرادی که ما برای این کنفرانس‌ها دعوت کرده‌ایم، اینگونه از آب درآیند... نمی‌دانم منظور آقای طالب‌زاده تحلیلگر مورد اعتماد جناح اولگرا اینکمه... خانم کاترین شکدم، این گونه از آب درآمد... چیست؟ ماجرای خانم کاترین شکدم هر چه بود و هر چه هست و واقعیت آن چیست یک طرف قضیه و مسائل حاشیه‌ای آن طرف دیگر قضیه – ابتدا از این خانم در رسانه‌های سمت و سودار به‌عنوان جاسوس اسرائیل، زنی که به خاطر کسب اخبار محرمانه و جاسوسی برای اسرائیل نام چند مقام مطرح به میان کشیده شد داستان سرای‌ها شکل گرفت تا اینکه او با چهره‌ای متفاوت در تلویزیون بی‌بی‌سی ظاهر شد و به صراحت اعلام کرد... نه جاسوس بودم و نه با کسی از مقامات ایرانی رابطه‌ای داشتم و اشاره می‌کند که او هم مطالبی را در فضای اینترنت دیده ولی آنها را بیش از آنکه علیه خود بداند توهین به مقامات ایرانی تصور می‌کند و برخلاف آنچه گفته می‌شود به هیچ اسنادی در ایران دسترسی نداشته‌ام و آنکه در انتهای مطلبم در تایمز اسرائیل نوشته‌ام که ایران به دنبال سلاح اتمی است صرفاً برداشت شخصی‌ام است که می‌تواند کسی بپذیرد یا نپذیرد، اما من برای حرفم نه به سندی دسترسی داشته‌ام و نه با کسی صحبت کرده‌ام. بعداز این مصاحبه، روزنامه کیهان مصاحبه‌ی بی‌بی‌سی را مستند قرار داد و گفته‌های خانم شکدم را که از بی‌بی‌سی پخش شد واقعی دانست و نوشت: «ماجرای کاترین پرز شکدم ابتدا از یک کانال تلگرامی منتسب به جریان انحرافی مطرح شد، یادداشت‌ها و مطالب این کانال به مخاطب می‌گفت، او یک جاسوس اسرائیلی است که نفوذ کرده است، این کانال مدعی شد که این جاسوس اخیراً در یک روزنامه اسرائیلی نحوه نفوذ خود را توضیح داده است» و در نهایت روزنامه کیهان با استناد به مصاحبه خانم کاترین شکدم با بی‌بی‌سی و اعلام اینکه او جاسوس نیست اقرار خانم شکدم در شبکه بی‌بی‌سی را فصل الخطاب دانسته و او را از اتهام نفوذی و جاسوس بودن مبری دانسته است. کاش این قضاوت روزنامه کیهان در موارد مشابه و نسبت به افراد دیگری که وضعیتی مشابه خانم کاترین شکدم دارند هم یکسان بود. در پرونده‌ای که دیگر محتومه و رأی قطعی آن صادر شده و منعی در بیان محتوای آن نیست نگارنده در مقطعی و کمال تهمیی بودم که وضعی مشابه خانم کاترین شکدم داشت با این تفاوت که نمی‌دانم خانم شکدم چه تحصیلاتی دارد و در کجا تحصیل کرده و مبانی تحصیلی او کدام است در حالی که در خانواده‌ای پهودی به دنیا آمده وعلی‌القاعده پهودی است، دین خود را کثار گذاشته و به اسلام گرویده است و در اسلام انقدر غور نموده که حقایق مذهب تشیع را هم در بین دیگر مذاهب اسلامی کشف نموده است، به راهپیمایی اربعین علاقه‌مند شده و به گفتهٔ آقای نادر طالب‌زاده حداقل دو نوبت در راهپیمایی اربعین شرکت نموده است اما زن دیگری که هویت – ایرانی – فرانسوی – دارد تحصیل کرده یکی از مهم‌ترین دانشگاه‌های فرانسه است دهها مطلب و نوشته پیرامون مسائل اجتماعی ایران در مهم‌ترین نشریات بین‌المللی منتشر کرده است، از مرجعی مشخص و معین یعنی دانشگاه محل تحصیل و تدریس خود در پاریس انجام پژوه‌های علمی را بر عهده می‌گیرد به قم سفر می‌کند و با وقت قبلی با بعضی از روحانیون تماس گرفته و تحقیق خود به این مصاحبه‌ها اشاره می‌کند در راهپیمایی اربعین شرکت می‌کند و باور دارد در منطقه خاورمیانه خصوصاً حوزه جغرافیایی که داعش در آن فعال شده است برگزاری راهپیمایی عظیم اربعین آن‌هم در زمانه‌ای که تروریست‌ها با کمترین بهانه با حرکات انتحاری در صدد ضربه زدن به اسلام عموماً و ایران که در پناه درایت حاج قاسم سلیمانی در آشوبی‌ترین منطقه قادر است راهپیمایی اربعین را در کمال آرامش بر گزار کند و به اصطلاح خون از دماغ کسی نیاید، بی‌تعارف راهپیمایی اربعین با جمعیت میلیونی را باید نوعی معجزه دانست که در پناه مدیریت مسئولان نظامی، امنیتی ایران با هر کتنی صلح‌جویانه تبدیل شده بود. باید میلیون‌ها دلار به محققان این حوزه پول داد تا ضمن شرکت در راهپیمایی اربعین جوهر این اتفاق و اتحاد و یک دلی و مهم‌تر از آن قدرت مذهب تشیع را به جهانیان نشان دهد کدام مکتب و مذهب می‌تواند موتور حرکت توده‌ای میلیون‌ها نفر حول واقعتهای که ۱۴۰۰ سال از آن گذشته است را اینچنین همدلانه به حرکت درآورد.

خانم دکتر فریبا عادلخواه محقق ایرانی – فرانسوی – که

ورود و خروج او زیر نظر مقامات رسمی به ایران صورت گرفته

بود و در همین زمینه یعنی اربعین تحقیق میدانی نموده بود

و با وقت قبلی با بعضی از روحانیون تماس گرفته بود متهم

به جاسوسی شد و در دادگاه که نگارنده وکالت او را بر عهده

داشتم گفتیم این جاسوس و تبیین جوهر راهپیمایی اربعین و نقش و جایگاه آن در اتحاد و اتفاق مسلمانین آن‌هم در زمانه‌ای

که داعش کل منطقه عراق و سوریه را به نامنی کشانده و این

راهپیمایی عظیم در کمال آرامش صورت می‌گیرد مسئله

ساده‌ای است؟ به باور بسیاری مهم‌ترین واقعه مذهبی در

قرن ۲۱ است که دولت‌ها نقشش در برپایی و انجام آن ندارند و

از درون باور و اعتقادات مردم مسلمان آن‌هم شیعه می‌جوشد،

باید این واقعه را به جهانیان شناساند، باید عظمت عاشورا را

عظمت اربعین و واقعیت باور مردمی آن را در عصری که

باورهای دینی با حرکات گروه‌های افراطی مانند داعش زیر

سوال رفته است و انسان بهت زده امروز جوهر این اتفاق و

اتحاد را نمی‌شناسد، بهتر نیست کسانی که تحصیلکرده علوم

انسانی‌اند به تشریح و تبیین عاشورا – اربعین و اثر و آثار آن بر

انسان بهت زده قرن ۲۱ بپردازند. محکومیت این خانم آن‌هم

به جرم امنیتی سد راه محققین دیگری می‌شود که تحقیق

آنان می‌تواند راهگشای کشف وقایعی مانند اربعین باشد چه

تفاوتی بین خانم کاترین شکدم با خانم فریبا عادلخواه است.

وقتی خانم شکدم در تلویزیون بی‌بی‌سی اعلام می‌کند من

جاسوس نیستم و این را می‌پذیریم اما خانم دیگری که اتفاقاً

با حسن نیت نمی‌گوید جاسوس نیستم و اسناد و مدارکی

نزد من یا کسانی که با آنها ملاقات کردم نیست که متهم به

جاسوسی شوم. کاش ماجرای خانم کاترین شکدم و پذیرش

اقرار او به اینکه جاسوس نیست ولو در تلویزیون بی‌بی‌سی را

در مورد خانم فریبا عادلخواه هم بپذیریم و با اعاده دادرسی

او موافقت شود.

یوسف مولایی در گفت وگو با «آرمان ملی»:

روسیه از «آن طرف مین» به «این طرف مین» پرید

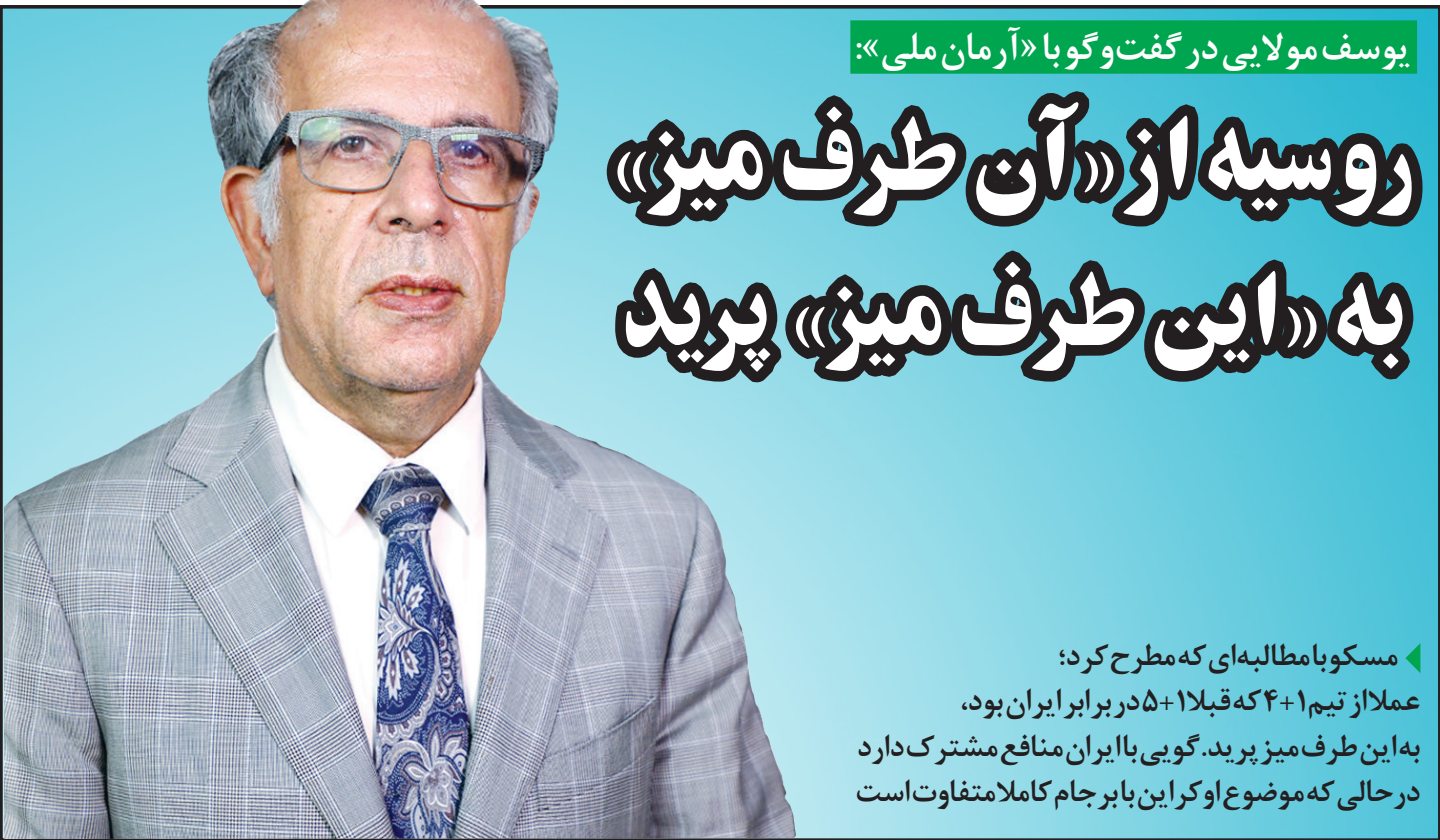
مسکو با مطالبه‌ای که مطرح کرد؛

عملاز تیم ۴+۱ که قبلا ۵+۱ در برابر ایران بود،

به این طرف مین پرید. گویی با ایران منافع مشترک دارد در حالی که موضوع او کراين با برجام کاملاً متفاوت است

پنجشنبه
۱۴۰۰.۱۲.۱۹
۰۷ شعبان ۱۴۴۳ / ۱۰ مارس ۲۰۲۲

سال پنجم
شماره ۱۲۵۳
armanmeli.ir



آرمان ملی – نازنین فرازی: مذاکرات وین به مرحله نهایی خود رسیده، علی باقری کنی به تهران بازگشت و نماینده اتحاد به اروپا می‌گوید که دیگر مذاکره‌ای در کار نیست و زمان آن فرا رسیده که تصمیمات سیاسی به مذاکرات وین پایان دهد، اما در این برهه حساس و پایانی روسیه ناگهان میز را واژگون می‌کند و خواستار تضمین‌هایی است که تحریم‌های آمریکا مانع همکاری آتی این کشور با تهران نخواهد شد! در این باره با دکتر یوسف مولایی، استاد دانشگاه و تحلیلگر مسائل بین‌الملل به گفت‌وگو نشستیم. این استاد دانشگاه با بیان اینکه به قدری این خواسته غیر منطقی و نامعترف است که گمان می‌کنم سوءتعبیر یا سوءتفاهم یا حتی سوءترجمه صورت گرفته، این درخواست روسیه را نوعی باج خواهی دانست و ادامه داد که روسیه که با دیگر اعضای برجام در آن سوی میز بود، اکنون به این طرف میز آمده است. موضوعی که برای ایران هم خوشایند نیست و نقض حاکمیت ملی ایران محسوب می‌شود. مولایی با بیان اینکه جنگ روسیه با اوکراین نیز به صلح و امنیت و نظم بین‌الملل ضربه می‌زند، بهترین اتفاقی که در این مورد می‌تواند بیفتد را دست کشیدن روسیه از جنگ دانست که به مرزهای خود بازگردد، به اوکراین غرامت دهد و عذرخواهی کند که البته بعید به نظر می‌رسد. وی ایران را هم در اینکه وفاداری خودش را به اصول و روابط حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد نشان دهد، دینفع دانست و افزود که باید این عمل را محکوم کند. گفت‌وگوی «آرمان ملی» با یوسف مولایی، استاد دانشگاه و تحلیلگر مسائل بین‌الملل را در ادامه می‌خوانید.

روسیه در جریان مذاکرات وین خواستار

تضمین‌هایی است که تحریم‌های آمریکا مانع همکاری آتی این کشور با تهران نخواهد شد! این خواسته را در این برهه زمانی چطور ارزیابی می‌کنید؟

به لحاظ ساختار تعریف شده برای مذاکرات وین، همچنین اهداف و نتایج آن اصلاً هیچ ربطی به مسأله تحریم‌های روسیه نداشت. این موضوع کلاً دو پایه داشت: نخست، لغو تحریم‌های ایران و دوم اینکه فعالیت هسته‌ای ایران راستی آزمایی و رصد شود و از فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز انحرافی نداشته باشد. ایران این محدودیت‌ها را بپذیرد و در مقابلش تحریم‌ها لغو شود. الان در هیچ جای این ساختار و سازگار تعریف نشده که روسیه برای خودش امتیازی بگیرد، تضمینی بگیرد و یا شرط و شروطی بگذارد، ورود یک عضو برجام به این معادله که بخواهد سهمی از این مشارکت یا همکاری برای صلح یا تأمین امنیت جهانی ببرد، هیچ جاذبه نشده و امری کاملاً غیرمتعارف، غیر حقوقی و فرصت‌طلبی است. ضمن اینکه انعکاس و بازتاب بدی دارد به گونه‌ای که گویی ایران شریک روسیه است و وقتی قرار است نظر ایران تأمین شود، باید نظر روسیه هم تأمین شود. در حقیقت روسیه از آن طرف میز به این طرف میز پرید. روسیه با ۴+۱ به ۱+۵ می‌شدند، یک طرف میز و ایران طرف دیگر میز بود. امتیازاتی اگر وجود دارد بین ایران و مجموعه ۵+۱ دارد. رد و بدل می‌شود و تکالیف هم همین‌طور و روسیه اصلاً نمی‌تواند امتیاز ویژه‌ای طلب کند و حضور روسیه بیشتر به عنوان عضو دائم شورای امنیت است. چون این پرونده ماهیت امنیتی دارد در اینجا حضور دارد. این برای اولین‌بار است که طرف مذاکره برای خودش امتیازی قائل است که به این طرف میز مربوط است. باید به ایران امتیاز دهند و نه به روسیه که این طرف میز است. لذا درخواست روسیه خیلی غیرعادی، غیرمتعارف و غیر حقوقی است و اینکه چگونه به خودش اجازه می‌دهد که اینگونه موضوع را مطرح کند، جای سوال و تعجب دارد. این موضوع برای اعتبار ایران خیلی مسأله دارد و به نحوی به نظر می‌رسد که با این مطالبه روسیه متناقض مان به منافع آنها اگر نه خورده می‌شود و یک جور باج‌خواهی و کروکشی است. موضوع به قدری غیرعادی است و نمی‌تواند واقعی باشد که گمان می‌کنم شاید اصلاً یک اشتباه صورت گرفته است!

گفته می‌شود که ممکن است روسیه از برجام خارج شود. در اینصورت چه اتفاقی برای برجام و پرونده هسته‌ای ایران می‌افتد؟

سرنوشت برجام به گونه‌ای رقم خورد که مدت‌ها آمریکا خارج از آن بود و اکنون برخی اخبار حکایت از آن دارد که روسیه برجام را ترک خواهد کرد. همان‌طور که آمریکا مدت‌ها کنار بود، حال روسیه کنار بگردد. بود یا نبود روسیه در برجام مشکلی ایجاد نمی‌کند. چون از اول هم طرف اصلی ما آمریکا بود و با موقعیت خاص اقتصادی که داشت، ما را تحت فشار قرار می‌داد. امضای روسیه اصلاً الزامی نیست و بیشتر مسأله ایران آمریکا و شورای امنیت است که ما را تحریم می‌کند. روسیه اگر برجام را امضا نکند، علیه ایران چه اقدامی می‌خواهد انجام دهد و از چه موقعیتی می‌خواهد استفاده کند؟ آیا به عنوان یک طرف خواهان اجرایی شدن ترتیبات ماده ۳۷، ۳۶ (سند برجام) خواهد شد که همانا مکانیزم ماشه است! بعید به نظر می‌رسد که تا آنجا پیش رود. اگر چنین کاری در این شرایط انجام دهد، واقعا بی‌کار غیرعقلانی است و خودش را بیشتر در فشار دآوری افکار عمومی جهان و ایران قرار می‌دهد که دارد فرصت‌طلبی و باج‌خواهی می‌کند. روسیه اگر مرتکب چنین کاری شود و از برجام خارج شود، قطعاً در درازمدت به ضررش خواهد بود و به اعتبار جهانی‌اش از این هم که هست، بیشتر لطمه می‌خورد. روسیه بیشتر خواهان این است که در این اوضاع و احوال برای خودش امتیازی بگیرد. روسیه آشکارا در با کارت ایران به نفع خودش بازی می‌کند.

عکس‌العمل ایران در مواجهه با این درخواست روسیه چه می‌توانست باشد؟

ایران باید به لحاظ دیپلماتیک اعتراض می‌کرد چون این کار طبیعی نیست و باج‌خواهی تلقی می‌شود ضمن اینکه سنگ‌اندازی در روند حل پرونده هسته‌ای محسوب می‌شود. هیچ کدام از اعضا برای خودشان امتیازی طلب نکرده‌اند. آمریکا هم امتیاز خاصی در برجام نمی‌خواهد و تنها خواهان شفاف‌سازی و قابلیت رصد کردن و راستی آزمایی فعالیت هسته‌ای ایران است و برای خودش امتیازی نمی‌گیرد. در حقیقت امتیازی که می‌خواهند بگیرند به نفع صلح و امنیت بین‌المللی است ولی در اینجا روسیه دارد به نفع منافع شخصی خودش از موضوعی که به امنیت بین‌المللی ربط دارد، می‌خواهد استفاده کند.

آیا مذاکره مستقیم با آمریکا می‌توانست مانع چنین درخواست‌ها و باج‌خواهی‌هایی از سوی روسیه شود؟

از ابتدا از اینکه ایران باید با آمریکا مستقیم وارد مذاکره شود، صحبت کردم. وقتی موضوعی را به‌طور غیرمستقیم از مسیر نادرست و به‌رزه‌پیش می‌بریم، این هم یکی از آن هزینه‌هاست. مشکل ایران با آمریکا است، جامعه جهانی یک طرف و آمریکا هم یک طرف. اگر با آمریکا مذاکره می‌کردیم، قطعاً هم می‌توانستیم امتیاز بگیریم. اگر آن زمان به صورت نظری از اینکه نباید به واسطه‌ها امتیاز دهیم، سخن می‌گفتیم الان آشکارا روسیه باج‌خواهی می‌کند. لذا مسئولان این موضوع را باید به عنوان یک دلیل پرهزینه بودن مذاکرات غیرمستقیم تلقی کنند و در مسیر حفظ منافع ملی راهی برای مذاکره مستقیم پیدا کنند. اصلاً روسیه در موقعیتی نیست و خودش تحت فشار است. اگر بخواهیم واقعا به روسیه در این شرایط امتیاز دهیم حاکمیت ملی خود را نقض و تضعیف کرده‌ایم. اگر آمریکا به روسیه تضمین ندهد که مسائل مالی خود را در دنیا پیش ببرد، روسیه سنگ‌اندازی می‌کند و مانع امضا و تجدید حیات برجام می‌شود. روسیه نباید امتیاز خود را به پرونده هسته‌ای ببوندد بزند. گره زدن این امتیاز به پرونده هسته‌ای به این معناست که این امتیاز را ما باید به روسیه بدهیم. این خواسته به قدری غیرعادی است که هنوز باور نمی‌کنم و به‌نظر می‌رسد که بیشتر سوءتفاهم، سوءترجمه یا چیزی شبیه این باشد.

شاید از آقای پوتین با اقدامات اخیرش در خصوص کشور همسایه خود، این درخواست هم باور کردنی به نظر برسد! به نظر شما جنگ با اوکراین به کجا خواهد انجامید و چه پیش‌بینی در اینباره دارید؟

به هر حال جنگ با اوکراین صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره می‌اندازد و تا آستانه توسل به سلاح هسته‌ای هم تا اینجا کار پیش رفته است و نشان می‌دهد که ابعادش می‌تواند گسترده‌تر باشد ولی مسأله اصلی این است که اتفاقاتی در نظام بین‌الملل افتاده که باعث شده موازنه قدرت یک مقدار به ضرر روس‌ها در سطح جهانی پیش رود و روسیه عمدتاً برای برقراری و موازنه قدرت به گفته پوتین ناچار شده که دست به این اقدام بزند. یعنی توسل به زور و تجاوز به کشوری که مستقل است و عضو سازمان ملل متحد است. در حقیقت آنقدر وضعیت متغیری ایجاد شده که واقعا طاعunen نمی‌توان گفت این جنگ به چه صورت تمام می‌شود.

چه سناریوهایی را در روند جنگ روسیه با اوکراین محتمل می‌دانید؟

یکی از اهداف اصلی روسیه این بوده که جلوی پیش‌روی ناتو را بگیرد که در کوتاه‌مدت شاید به لحاظ نظامی موفق شود به حاکمان اوکراین فشار بیاورد و آنها را وادار کند که از عضویت در ناتو خودداری کنند. این هم در سطح بین‌الملل امری عجیب و غریب و غیرقابل فهمی است. وقتی یک کشور دارای حاکمیت است، از مصادیق و تجلیات حاکمیت است که دولتی تصمیم بگیرد مناسبات خود را با یک سازمان بین‌المللی یا کشور دیگری در چه سطحی نگه دارد و چه مناسباتی را برقرار کند. وقتی به یک کشوری که از الحاق به معادله‌ی شانگهای کند یعنی دارد او را از یک حق حاکمیتی محروم می‌کنید که خلاف اصول منشور و قطعنامه‌های متعددی است که در حمایت از

حاکمیت و برابری کشورها صادر شده است. سناریوی دیگر این است که آقای پوتین شرایطی را فراهم کند که دولت زلنسکی سقوط کند و در یک انتخابات شبه‌فرمایشی و مهندسی شده دوباره یک فرد فسادار روسیه سر کار بیآورد. سناریویی که قبلاً هم سابقه دارد و حداقل دوبار رئیس‌جمهور طرفدار روسیه در اوکراین سر کار آمده ولی دوام نیاورده و نهایتاً برکنار شده و حکومت دست اشخاصی افتاده که نمی‌خواهند مطیع روسیه شوند و خواهان مناسبات مورد نظر روس‌ها نیستند، بنابراین این سناریو هم ممکن است در کوتاه مدت جواب‌ده ولی در درازمدت جوابی نخواهد داد. سناریوی سوم اینکه ممکن است ابعاد جنگ گسترده شود و در مرزهای اوکراین، بلاروس و روسیه نماند و به نوعی به نقاط دیگر اروپا کشیده شود و ما در یک فضای بدتری قرار بگیریم و به نوعی وارد یک جنگ فراگیر – جنگ جهانی سوم نام بگذاریم یا نه – ولی جنگی فراگیرتر از جنگ روسیه و اوکراین شویم که برای امنیت جهان بسیار خطرناک است و معلوم نیست خروجی آن تا کجا گسترده شود. سناریوی بعدی این است که روس‌ها موضوعی بی‌ثباتی ایجاد کنند و تقریباً اوکراین را به صورت یک کشور و دولت ناکام و شبه‌ورشکسته درآورد و آنجا به یک منطقه ناامن تبدیل شود و بخشی از گروه‌های تروریستی و افراطی سر کار آیند. تا اینجا افراطیون مذهبی و اسلامی‌اشدیتیم و حالا مسیحی و به شکل‌های دیگر سازمان پیدا کنند و کلاً منطقه اروپا را به صورت ناامن درآورند. جرائم سازمان یافته، مرکز قاچاق مواد مخدر و قاچاق انسان و همه‌نوع جرائم سازمان یافته آنجا به نوعی یک میدان فعالیت پیدا کنند که یک جای نامنی هم برای روسیه و هم برای جاهای دیگر اروپاست. سناریوی بعدی اینکه نه روسیه دیگر به یکسری اهداف اولیه دست پیدا کند مثل همین تثبیت موقعیت خودشان در این دو جمهوری شرق اوکراین لوهانسک و دونتسک به‌اضافه اینکه روسیه بتواند بخشی از دریای سیاه و بنادر اوکراین را اشغال و بقیه کشور را رها کند و آنجا یک دولت ناپایداری حاکم شود و دوباره وضعیت به همین صورت فعلی ادامه پیدا کند و باز هم عامل بی ثباتی در آنجا داشته باشیم.

بهترین اتفاق و سناریویی که ممکن است رخ دهد، چیست؟

این جنگ به هر صورت که خاتمه پیدا کند برای صلح و امنیت جهانی ضررهایست و آثار مخرب آن به این زودی‌ها ترمیم نمی‌شود. لذا نظمی که بعد از موضوع اوکراین بخواهد شکل بگیرد بیشتر به طرف بی‌ثباتی می‌رود مگر اینکه روس‌ها واقعا هر چه سریع‌تر به اشتباه خودشان پی ببرند و برای جبران آن اوکراین را سریع‌را رها کرده و به مرزهای بین‌المللی خودشان برگردند و به این کشور غرامت دهند. از جامعه جهانی عذرخواهی کنند که البته غیرمحتمل است و احتمالاً روسیه به این سمت نخواهد رفت.

در نهایت ایران در این بازه زمانی چه باید بکند؟

ما باید از این فرصت استفاده کنیم. این یک عمل تجاوزکارانه است. اگر این عمل را محکوم نکنیم با دست خودمان پایه‌های نظم بین‌الملل موجود را بیشتر متزلزل می‌کنیم که به ضرر کشورهای ضعیف است و قدرت‌های بزرگ بیشتر از امتیاز زورمندی خودشان می‌توانند استفاده کنند. ایران هم ذی‌نفع است در اینکه وفاداری خودش را به اصول و روابط حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد نشان دهد و این عمل را محکوم کند. دوم در مورد عدم رعایت حقوق بشر و به خطر افتادن جان غیرنظامیان و آوارگی آنها و تخریب محیط زیست و آثار فرهنگی کشور اوکراین است که باید محکوم شود و به نظر می‌رسد در این مورد اصلاً هیچ نوع شک و تردیدی نباید ایجاد کرد. در اینجا از اصول حقوق بین‌الملل باید حتماً دفاع کنیم و اقداماتی که حیات و زندگی انسان‌ها را به خطر می‌اندازد را محکوم کنیم و با فشار افکار عمومی کمک کنیم که روس‌ها هر چه سریع‌تر به این جنگ خاتمه دهند. چون ادامه جنگ به ضرر کل بشریت است در هر جای کره خاکی که باشد.

یادداشت

جهانی و نابودی هیمنه پوشالی آن سرعت بخشد. همچنین با توجه به شرایط وخیم اقتصادی کشور و تحریم‌های بی‌سابقه آمریکا علیه ایران طی این ۱۰ سال و کار شکنی اروپا علیه کشورمان و با توجه به قیمت بی‌سابقه بیش از ۱۰۵ دلاری نفت (بیشترین قیمت طی ۸ سال پیش در دولت‌های ۱۱ و ۱۲)، بهترین فرصت اقتصادی برای کشور و دولت ۱۳ است تا مبادلات اقتصادی خود با فدراسیون روسیه را گسترده دهد تا از این فرصت استثنایی استفاده درخوری کرده باشد و در سال ۱۴۰۰ که توسط مقام معظم رهبری (مدظله العالی) مزین شده به «تولید؛ پشتیبانی‌ها، مانع‌زدایی‌ها» به این مهم توجه شایانی شود. ایران هیچگاه خادنه هواپیمای اوکراینی و نظریه احتمال جاسوسی بودن هواپیمای این کشور را فراموش نخواهد کرد. آیا به راستی اوکراین یکی از حیاط خلوت‌های آمریکا و اسرائیل در شرق اروپاست؟!

فرارو

گزارش «آرمان ملی» از ادامه اظهار نظرها درباره سخنان رئیس شورای شهر:

۲۸۰ هزار یلک فرسوده؛

– بحران بالاتر هم می‌رود

◀ **صدور پروانه ساختمان ۳۰۰ روز زمان می‌برد، اما سال آینده به ۲ ماه کاهش می‌یابد**



آرمان ملی: واکنش‌ها به صحبت‌های جنجالی رئیس شورای شهر تهران ادامه دارد و در شرایطی که مهدی چمران با انتقاد از شهرداری گفته بود که «به‌تازگی در حوزه شهرسازی تفاهم‌نامه‌ای امضا شده که تماماً قوانین شهرسازی است که ارتباطی با معاونان شهردار و شهرداری پیدا نمی‌کند؛ بلکه باید از طریق شورای شهر، شورای عالی معماری و شهرسازی و بخشی در کمیسیون ماده ۵ مورد بررسی قرار گیرد. اگر این کارها متوقف نشود، آن را به مراجع قضائی منعکس می‌کنیم.» بنا به گفته چمران و در خصوص زمان صدور پروانه‌ها، «به‌دلیل آنکه روند صدور پروانه را طولانی کرده، موضوع کاهش زمان را مطرح می‌کنیم، نه اینکه اصل بررسی نما را از بین ببریم.» با توجه به این گفته‌ها و گزارش روز گذشته «آرمان ملی» با عنوان «اختلاف شورای شهر و شهردار بالا گرفت» هم‌زمان سارا عباسی، مدیر کل ضوابط صدور پروانه شهرداری اعلام کرد: «در حال حاضر صدور پروانه ساختمان ۳۰۰ روز زمان می‌برد، اما در سال آینده به ۲ ماه کاهش می‌یابد. برای صدور پروانه حوزه‌هایی مانند عقب نشینی، آتش نشانی، نمای ساختمان در نظر گرفته می‌شود و در فرآیند صدور پروانه نهادهای دیگر دخیل هستند و این فرآیند پیچیده شده است.» این گفته‌ها در شرایطی مطرح می‌شود که پیش‌تر رئیس شورای شهر تهران گفته بود که «راه‌حل‌های کاهش زمان صدور پروانه ساختمانی تعیین شود.» براساس ضوابط جدید که ۱۰ روز قبل در جلسه‌ای به تأیید معاونان و مدیران زاکانی رسیده، به همه متقاضیان پس از جمع، مجوز ساخت شش طبقه داده خواهد شد؛ مشروط بر آنکه مساحت قطعه جدید بالای ۲۵۰ مترمربع و عرض گذر بالای ۱۰ متر (پهنه ۱۲۲) باشد. درضمن اگر مساحت بالای ۳۰۰ متر مربع و عرض گذر بالای ۱۲ متر (پهنه ۱۳۳ R) باشد، مجوز ساخت طبقه هفتم نیز داده می‌شود. در صورت جلسه ابلاغ‌شده به مناطق ۲۲ شهرداری تهران، به ازای هر دو قطعه تجمع، ۲۰ درصد تراکم مازاد به عنوان تشویقی تجمع داده می‌شود و مازاد بر آن به ترفه ۲۰۵ جبهت تکمیل طبقه اضافه داده می‌شود. در صورت جلسه گفته‌شده این حق صرفاً به پروانه‌هایی که قبل از مرداد سال ۹۹ صادر شده‌اند و آن هم به شرط اضافه‌شدن واحد مسکونی تعلق می‌گیرد. سومین بند از صورت‌جلسه ابلاغی هم به معنای آن است که بعد از این در کوچه‌های شهر تهران هم اجازه ساخت واحدهای تجاری (به شرط رضایت دیگر ساکنان کوچه) داده خواهد شد.

◀ **زندگی ۱۰ میلی‌یون**

سکونتگاه‌های غیررسمی

در این شرایط گزارش «آرمان ملی» بازتابی از اقدامات شهرداری تهران در ساخت ۱۳۰ هزار واحد مسکونی بود، اما بر کسی پوشیده نیست که تهران بیش از ۲۸۰ هزار پلاک بافت فرسوده دارد و این امر می‌تواند بزرگ‌ترین چالش شهردار جدید پایتخت در بازسازی آن باشد. در جایی که زاکانی با همکاری وزارت راه و شهرسازی، قصد احیای آن را دارد. چند روز پیش، معاون وزیر راه و شهرسازی به این موضوع تأکید کرده بود که «۷۰ هزار هکتار بافت فرسوده، ۶۰ هزار هکتار سکونتگاه غیر رسمی و ۳۳ هزار هکتار بافت تاریخی در کشور دارد و بررسی‌ها نشان می‌دهد که ۱۰ میلیون نفر از مردم در مسکن‌های لرزان زندگی می‌کنند.» وی با اشاره به آغاز نهضت ملی مسکن در کشور افزود: «با انجام نوسازی هر پلاک فرسوده ۷.۶ پلاک جدید ایجاد می‌شود به عنوان مثال، در شهرداری تهران به ازای ۱۰۰ هزار پلاک نوسازی شده ۹.۲ پلاک جدید ایجاد می‌شود و به عبارتی دیگر با هر نوسازی هم یک سقف لرزان نوسازی شده و هم واحدهای جدیدی در تهران ایجاد شده است.» وی در همین حال با تأکید بر اینکه سازندگان و انبوه‌سازان با حمایت دولت و شهرداری‌ها در جهاد نوسازی مسکن پیشقدم شوند، گفت: «شرکت بازرآفرینی شهری ایران ظرفیت بازسازی ۲ میلیون و ۵۸۰ هزار واحد ناپایدار در بافت فرسوده را دارد.»